

## بررسی مقایسه‌ای دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی (مطالعه موردی استان تهران)

محمد رضا سلیمان پور\*

دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

سید محمود حسینی

دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور مطالعه مقایسه‌ای دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۴۲۵ نفر دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد شاغل به تحصیل در سه دانشکده کشاورزی استان تهران در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ می‌باشد. با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۲۶۰ نفر به‌عنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. داده‌های این تحقیق به‌وسیله پرسشنامه گردآوری شد که روایی آن به‌وسیله جمعی از متخصصان تأیید و پایایی آن با محاسبه از طریق ضریب کرونباخ آلفا، ۸۴ درصد برآورد گردید. بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، دانشجویان پسر و دختر، دانشجویان متأهل و مجرد، دانشجویان با گرایش‌های تحصیلی مختلف در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دانشجویان دانشکده‌های مختلف کشاورزی، همگی از نگرش یکسانی نسبت به کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی برخوردار بودند. بدین ترتیب متغیر وابسته تحقیق تحت تأثیر هیچ یک از این متغیرها قرار نمی‌گیرد. ضمن اینکه دانشجویان با رشته‌های تحصیلی مختلف در دوران دبیرستان، و دانشجویان با وضعیت‌های شغلی مختلف دارای اختلاف معنی‌داری در دیدگاه‌شان نسبت به کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی می‌باشند. علاوه بر این، مقایسه ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه و دیدگاه آنان پیرامون روش‌های آموزشی مؤثر در کارآفرینی از دیگر نتایج این تحقیق می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش کارآفرینی، ویژگی‌های کارآفرینی، آموزش عالی کشاورزی.

## مقدمه

آموزش عالی کشاورزی یکی از حوزه‌های اصلی آموزش عالی به شمار می‌رود و از آن انتظار می‌رود نقش به‌سزایی در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی ایفا نماید. بی‌شک توسعه کشاورزی هر کشور وابسته به سیاست‌ها، برنامه‌ها و نظام آموزش کشاورزی و به تبع آن وابسته به دانش‌آموختگان متعهد و متخصص آن نظام است. آموزش عالی کشاورزی برای رسیدن به توسعه کشاورزی، باید با شناسایی و رفع محدودیت‌های کمی و کیفی، دانش‌آموختگانی تربیت کند که از صلاحیت مناسب برای کارآفرینی برخوردار باشند (بهرامی و زمانی، ۱۳۸۰).

یکی از مسایل مبتلا به دانش‌آموختگان دانشگاهی، نبود فرصت‌های لازم برای اشتغال و در نتیجه بی‌کاری پس از دانش‌آموختگی است که عوامل و دلایل بسیاری نظیر ضعف مهارتی، عدم توانایی در راه‌اندازی واحدهای اشتغال‌زا، نبود یا کمبود فرصت‌های شغلی و... بر این امر دامن زده است. با این حال، می‌توان ادعان نمود که فرهنگ‌سازی کارآفرینی که همانا توسعه و تقویت روحیه کارآفرینی و آموزش آن در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌باشد، به عنوان راه‌حلی برای این معضل حاد مطرح می‌شود (شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵).

برخی صاحب‌نظران معتقدند که در اثر عدم تطابق آموزش دانشجویان با نیازهای بازار کار، دانش‌آموختگان به‌عنوان محصول نظام آموزش عالی، فاقد توانمندی‌های لازم از جمله کارآفرینی بوده و به جای ایجاد فرصت‌های شغلی و مشارکت در توسعه ملی، در پی استخدام در بخش دولتی می‌باشند (Bazargan, 2000).

گرچه مفهوم اشتغال، مفهوم کامل کارآفرینی را نمی‌رساند، اما کارآفرینی و رفتار کارآفرینانه یک منبع نوآوری و انعطاف‌پذیر است که به عنوان ایجادکننده کسب و کارهای جدید در اقتصاد به شمار می‌آید. به طوری که کارآفرینی یک هدف مهم اتحادیه اروپا در مورد سیاست‌های آموزشی است (Onstenk, 2003). آموزش کارآفرینی یکی از مسایلی است که در سال‌های اخیر در دانشگاه‌های مختلف، بیش از پیش به آن بها داده شده است و صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان آموزشی همواره در جهت کشف و انتخاب رویکردهای مناسب‌تری در این زمینه به‌منظور توسعه فرهنگ کارآفرینی از طریق نظام آموزش عالی تلاش می‌کنند (خسروی‌پور، ۱۳۸۷).

کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه دانشگاهی توجه زیادی را به خود جلب کرده است، اما نتوانسته جایگاه و منزلت قابل قبولی را برای خود کسب کند (Low, 2001). به عقیده بسیاری از محققان، هنوز یک اجماع قوی و گسترده پیرامون تعریف کارآفرینی وجود ندارد و همین امر نشان می‌دهد که کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه گسترده‌ای است که به صورت نسبی در وضعیت توسعه علمی ضعیفی قرار دارد (Davidsson, 2003; Aldrich & Martinez, 2001; Gartner, 1990). به همین دلیل پژوهشگران و صاحب‌نظران،

بخش عظیمی از وقت و تلاش‌های پژوهشی خود را جهت تدوین تعریفی مقبول از کارآفرینی صرف می‌کنند (Low, 2001).

برخی کارآفرینی را یک پدیده چند بعدی و با سطوح تحلیل چندگانه می‌دانند که به صورت میان‌رشته‌ای به وجود آمده است (Chandler & Lyon, 2001). با نگاهی وسیع‌تر و از منظر مفاهیم مربوط به دستاوردهای کارآفرینی تعاریف گوناگونی برای کارآفرینی می‌یابیم. تعاریفی مانند ایجاد ارزش و ثروت (Zahra & Dess, 2001)، اشتغال‌زایی (Florence, 2006)، توسعه خلاقیت و نوآوری (Drucker, 1998) و توسعه کسب و کارهای نوین (Cooper, 2003) از این موارد هستند.

اگرچه مفهوم کارآفرینی حداقل از زمان آدام اسمیت از دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آن تبیین شده است، اما از حدود سه دهه قبل جهت‌گیری برخی از دانشگاه‌های آمریکایی از تولید دانش نظری در مورد کارآفرینی به سمت آموزش و تربیت کارآفرینان و حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه تغییر پیدا کرده است و به تدریج تعداد دانشگاه‌های ارایه‌دهنده آموزش‌ها و برنامه‌های کارآفرینی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در اواسط دهه ۹۰ هم موج کارآفرینی، دانشگاه‌های اروپا را فرا گرفته بود (Anderseck, 2004).

رویکرد کارآفرینی دانشگاهی<sup>۱</sup> علاوه بر ایجاد فرصت مشارکت در توسعه اقتصادی برای دانشگاه‌ها، تحت تأثیر نیازهای روزافزون مالی آنها و امکان کسب درآمدهای بالقوه از فعالیت‌های کارآفرینانه آنان نیز قرار دارد (Nell *et al.*, 2006). در واقع، تمایل دانشگاه‌ها به کارآفرینی تحت تأثیر محرک درونی آن و همچنین انتظارات اجتماعی ناشی از ظهور نوآوری دانش‌محور است. بر این اساس فعالیت‌های کارآفرینی با هدف بهبود عملکرد اقتصاد ملی و منطقه‌ای و کسب منافع مالی برای اساتید و دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد (Etzkowitz, 2003).

در دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان اوایل دوران توسعه آموزش کارآفرینی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی عمدتاً برنامه‌های آموزش کارآفرینی را به‌عنوان بخشی از دانشکده مدیریت و یا بازرگانی مستقر می‌کردند و بر همین اساس تمرکز برنامه‌های آموزشی عمدتاً بر روی دانشجویان این دانشکده‌ها بود. اما دهه ۱۹۹۰ زمانی بود که آموزش کارآفرینی شروع به گسترش در میان سایر رشته‌های تخصصی دانشگاهی نمود و مدل‌های آموزش کارآفرینی گسترده توسعه یافت. در این دهه بسیاری از رشته‌های تخصصی دانشگاهی به این نتیجه رسیدند که می‌توانند برنامه‌های آموزشی خود را به شکلی تغییر دهند که دانشجویان را برای راه‌اندازی کسب و کارهای تخصصی آماده نمایند و یا آن را یک گزینه شغلی برای دانشجویان خود معرفی نمایند (Godin, 2003).

بر اساس مطالب فوق‌الذکر، با توجه به تعاریف گوناگون کارآفرینی - و با عنایت دیدگاه‌های مختلف نسبت به رویکرد کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی، این امر حایز اهمیت است که نسبت به دیدگاه

<sup>1</sup> Academic Entrepreneurship

دانشجویان در خصوص ایجاد و توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی آگاه بوده و نگرش آنان را پیرامون رویکردهای آموزشی مؤثر در جهت تحقق این مهم جویا شد. بدیهی است نگرش افراد در هر زمینه‌ای در عملکرد آنان تأثیر مستقیم خواهد داشت. بنابراین مطالعه نگرش این افراد و مقایسه آن بر مبنای ویژگی‌های مختلف در مسیر تحقق این رویکرد در آموزش عالی کشاورزی امری ضروری است. لذا این تحقیق تلاش می‌کند تا ضمن شناسایی ویژگی‌های فردی و تحصیلی دانشجویان کارشناسی‌ارشد کشاورزی، به مطالعه و مقایسه دیدگاه این افراد پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی کشور بپردازد.

### اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق مقایسه دیدگاه دانشجویان کارشناسی‌ارشد پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی استان تهران است و دارای اهداف اختصاصی زیر می‌باشد:

۱. شناخت ویژگی‌های فردی، شغلی و تحصیلی دانشجویان کارشناسی‌ارشد کشاورزی استان تهران؛
۲. مقایسه دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه نسبت به کارآفرینی بر اساس متغیرهای فردی، شغلی و تحصیلی؛
۳. مقایسه دانشجویان مورد مطالعه بر اساس ویژگی‌های کارآفرینی؛
۴. مقایسه دیدگاه دانشجویان پیرامون روش‌های آموزشی گوناگون از نظر تأثیرگذاری در کارآفرینی دانشجویان.

### روش پژوهش

این مطالعه از نوع کاربردی است که به روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۴۲۵ نفر دانشجویان کارشناسی‌ارشد شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ در سه دانشکده کشاورزی مربوط به دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه تربیت مدرس و تهران می‌باشند. حجم نمونه مورد نظر با استفاده از فرمول کوکران، ۲۵۲ نفر محاسبه گردید که به منظور افزایش دقت مطالعه ۲۶۰ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد.

این نمونه از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب و با توجه به نسبت تعداد دانشجو در هر دانشکده به کل جامعه آماری، از بین سه دانشکده به صورت تصادفی انتخاب گردید.

جدول ۱- حجم نمونه به تفکیک دانشکده‌های کشاورزی مورد مطالعه

دانشکده کشاورزی	تعداد دانشجو	درصد جامعه	حجم نمونه
دانشگاه آزاد (علوم و تحقیقات)	۶۲۷	۴۴	۱۱۴
دانشگاه تربیت مدرس	۳۰۰	۲۱	۵۵
دانشگاه تهران	۴۹۸	۳۵	۹۱
جمع	۱۴۲۵	۱۰۰	۲۶۰

با توجه به هدف تحقیق، متغیر وابسته در این مطالعه دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد کشاورزی نسبت به ایجاد و توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی است که با استفاده از گویه‌های متعددی در قالب پرسشنامه‌ای محقق ساخته مورد ارزیابی قرار گرفت. پرسشنامه مذکور که به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر تلقی می‌گردد، توسط دانشجویان مورد مطالعه، تکمیل شد. این ابزار با استفاده از نظرات صاحب‌نظران، محققان و برخی از اعضای هیات علمی دانشگاه بررسی و اصلاح شد و روایی آن مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با بهره‌گیری از آزمون مقدماتی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ برآورد شد که نشان‌گر پایایی مطلوب ابزار تحقیق می‌باشد. همچنین به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

### یافته‌ها

نتایج به‌دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که متوسط سن دانشجویان مورد مطالعه در این پژوهش ۲۵ سال می‌باشد که بیشترین فراوانی مربوط به طبقه سنی ۲۴ سال و کمترین فراوانی مربوط به طبقه سنی ۲۹ سال است. با توجه به انحراف معیار ۳/۸ و فاصله زیاد کمینه و بیشینه سن می‌توان قضاوت کرد که پراکندگی متغیر سن در بین دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی بالا می‌باشد. از لحاظ جنسیت از بین افراد مورد مطالعه، ۵۱/۶ درصد مرد و ۴۸/۴ درصد زن هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد اکثر دانشجویان مورد مطالعه در این پژوهش (۸۰/۸ درصد) مجرد هستند. ضمن اینکه بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، ۲۸/۱ درصد از این دانشجویان شاغل و بقیه بی‌کارند که توزیع فراوانی آن در جدول شماره ۲ به تفکیک نوع اشتغال آمده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی دانشجویان مورد مطالعه بر اساس وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد
شاغل تمام‌وقت	۴۱	۱۵/۸
شاغل پاره‌وقت	۳۲	۱۲/۳
بی‌کار	۱۸۷	۷۱/۹
جمع	۲۶۰	۱۰۰

نما: بی‌کار

در ادامه به‌منظور مقایسه بین دیدگاه گروه‌ها یا طبقات مختلفی از دانشجویان از آزمون مقایسه میانگین  $t$ ، تحلیل واریانس و آزمون کروسکال‌والیس استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر نسبت به کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی هیچ‌گونه تفاوت آماری معنی‌داری وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، دانشجویان پسر و دختر نگرش یکسانی نسبت به اثرات دانشگاه در کارآفرینی دانشجویان دارند. همچنین مطابق نتایج جدول شماره ۳، هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری بین نگرش دانشجویان متأهل و

مجرد در ارتباط با متغیر وابسته تحقیق وجود ندارد. بدین ترتیب دانشجویان متأهل و مجرد هم نگرش یکسانی نسبت به اثرات دانشگاه در کارآفرینی دارند. اما نتایج مقایسه دیدگاه دانشجویان شاغل با دانشجویان بی‌کار، حاکی از اختلاف معنی‌دار بین نگرش این دو گروه در سطح ۵ درصد می‌باشد. لذا وضعیت اشتغال دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه را در مورد کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی تحت تأثیر قرار داده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین بر اساس جنسیت، وضعیت تأهل و اشتغال دانشجویان

متغیر معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معنی‌داری
جنسیت	پسر: ۱۳۴	۳/۴۸	۱/۰۶۱	-۱/۱۶۹	۰/۳۱۱
	دختر: ۱۲۶	۳/۶۸	۰/۸۴۸		
وضعیت تأهل	متأهل: ۵۰	۳/۸۳	۱/۰۹۷	۱/۸۹۴	۰/۲۰۲
	مجرد: ۲۱۰	۴/۰۷	۰/۹۵۷		
وضعیت اشتغال	شاغل: ۷۳	۳/۲۲	۱/۱۵۳	۲/۰۳۱	۰/۰۴۵*
	بی‌کار: ۱۸۷	۳/۵۸	۰/۹۷۶		

\*  $P \leq 0/05$

در این مطالعه برای مقایسه دیدگاه دانشجویان با رشته‌های تحصیلی مختلف در دوران دبیرستان، از آزمون کروسکال‌والیس استفاده شد. نتایج به‌دست آمده، بیان‌گر آن است که بین نگرش دانشجویان در سطح ۵ درصد اختلاف معنی‌داری مشاهده می‌گردد (جدول ۴). به‌عبارت دیگر، دیدگاه دانشجویان نسبت به توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی تحت تأثیر رشته تحصیلی دوران دبیرستان قرار گرفته است و دانشجویان با رشته‌های تحصیلی مختلف در دوران دبیرستان از نگرش یکسانی برخوردار نیستند. درحالی‌که با مقایسه میانگین رتبه‌ای دیدگاه دانشجویان با گرایش‌های تحصیلی مختلف در مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد مشخص گردید که بین نگرش دانشجویان با گرایش‌های تحصیلی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بدین ترتیب، دانشجویان با گرایش‌های تحصیلی مختلف در مقطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد از نگرش یکسانی در مورد کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی برخوردارند.

جدول ۴- نتایج آزمون کروسکال‌والیس بر اساس رشته تحصیلی دبیرستان، کارشناسی و کارشناسی‌ارشد

متغیر معیار	Chi-square	سطح معنی‌داری
رشته تحصیلی دبیرستان	۸/۵۲	۰/۰۴۷*
گرایش تحصیلی کارشناسی	۶/۱۶	۰/۲۹۱
گرایش تحصیلی کارشناسی‌ارشد	۶/۹۰	۰/۲۰۲

\*  $P \leq 0/05$

با مقایسه میانگین رتبه‌ای نگرش دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی مختلف و مقادیر حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول شماره ۵ مشخص می‌گردد که بین نگرش دانشجویان دانشکده‌های مختلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بدین ترتیب، نگرش دانشجویان تحت تأثیر دانشکده محل تحصیل قرار نمی‌گیرد و دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده‌های مختلف از نگرش یکسانی در مورد توسعه کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی برخوردارند.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس بر اساس دانشکده‌های مختلف

Sig.	F	واریانس		متغیر معیار
		درون گروه‌ها	بین گروه‌ها	
۰/۸۰۸	۰/۲۱۳	۱/۱۸۴	۰/۲۵۲	دانشکده کشاورزی

در بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه، با استفاده از مطالعات مختلف در زمینه کارآفرینی ۳۰ گویه تدوین شد که هشت ویژگی «توفیق‌طلبی»، «مخاطره‌پذیری»، «استقلال‌طلبی»، «تحمل ابهام»، «خلاقیت و نوآوری»، «اعتماد به نفس»، «پذیرش شکست و خوداتکایی» را مورد سنجش قرار داد. این ویژگی‌های کارآفرینی که در مجموع نمایان‌گر روحیه کارآفرینی می‌باشند، بر اساس ضریب‌تغییرات کسب شده در بین دانشجویان مورد مطالعه اولویت‌بندی شده‌اند که در جدول شماره ۶ به آن پرداخته شده است.

جدول ۶- اولویت‌بندی ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان مورد مطالعه

رتبه	ضریب‌تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۳۵/۳۹	۲/۲۹	۶/۴۷	توفیق‌طلبی یا نیاز به موفقیت
۲	۳۶/۶۲	۲/۴۹	۶/۸۰	اعتماد به نفس
۳	۳۷/۳۰	۲/۵۴	۶/۸۱	خلاقیت و نوآوری
۴	۳۸/۶۶	۲/۲۰	۵/۶۹	ریسک‌پذیری (خطرپذیری)
۵	۳۹/۷۸	۲/۲۰	۵/۵۳	استقلال‌طلبی
۶	۴۰/۴۶	۲/۶۳	۶/۵۰	تحمل ابهام و مواجهه با وقایع پیش‌بینی نشده
۷	۴۳/۴۶	۲/۵۶	۵/۸۹	خود اتکایی یا کنترل درونی
۸	۴۴/۰۶	۲/۶۷	۶/۰۶	توانایی پذیرش شکست

همچنین به منظور بررسی تأثیر روش‌های آموزشی مورد استفاده در نظام آموزش عالی کشاورزی در کارآفرینی، ابتدا روش‌های پرکاربرد با استفاده از مطالعات مختلف و نظر صاحب‌نظران گردآوری شد و سپس از دیدگاه نمونه آماری تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت. همان‌طور که از یافته‌های جدول شماره ۷ استنباط می‌گردد دانشجویان مورد مطالعه در تحقیق حاضر اولویت‌های نخست روش‌های آموزشی مؤثر در کارآفرینی دانشجویان را «بازدیدهای علمی به منظور آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی»، «استفاده از

روش‌های نوین تدریس با استفاده از تکنولوژی آموزشی» و «گذران دوره کارآموزی به صورت کاربردی و مرتبط با رشته تحصیلی» بیان نموده‌اند. درحالی‌که روش‌هایی مثل «به‌کارگیری روش‌های ایجاد و پرورش تفکر خلاق در دانشجویان» و «ارایه آموزش‌های لازم در زمینه خلاقیت، نوآوری و ایده‌یابی» در اولویت‌های پایانی قرار دارند.

جدول ۷- اولویت‌بندی روش‌های آموزشی مؤثر در کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۲۲/۳۷	۱/۷۰	۷/۶۰	بازدیدهای علمی به منظور آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی
۲	۲۳/۲۰	۱/۶۸	۷/۲۴	استفاده از روش‌های نوین تدریس با استفاده از تکنولوژی آموزشی
۳	۲۵/۱۹	۱/۹۶	۷/۷۸	گذران دوره کارآموزی به صورت کاربردی و مرتبط با رشته تحصیلی
۴	۲۶/۲۵	۲/۲۰	۸/۳۸	انجام پروژه‌های عملی پیرامون ایجاد کسب و کارهای جدید در حین تحصیل
۵	۲۷/۰۷	۲/۰۳	۷/۵۰	تشویق دانشجویان به مشارکت در مباحث درسی و استفاده از نظرات آنها
۶	۳۰/۶۱	۲/۴۰	۷/۸۴	دعوت از افراد خبره و کارآفرینان موفق به منظور درک بهتر موقعیت شغلی
۷	۳۱/۷۹	۲/۲۶	۷/۱۱	برگزاری سمینارهای کارآفرینی برای انگیزش دانشجویان به اشتغال‌زایی
۸	۳۴/۶۶	۲/۳۵	۶/۷۸	نمایش فیلم و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در آزمایشگاه و مزرعه
۹	۴۲/۴۵	۲/۵۳	۵/۹۶	به‌کارگیری روش‌های ایجاد و پرورش تفکر خلاق در دانشجویان
۱۰	۴۶/۸۱	۲/۵۷	۵/۴۹	ارایه آموزش‌های لازم در زمینه خلاقیت، نوآوری و ایده‌یابی

در راستای دستیابی به هدف اختصاصی سوم، دانشجویان مورد مطالعه از لحاظ ویژگی‌های کارآفرینی مقایسه شدند.

جدول ۸- مقایسه ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های مختلف کشاورزی

Sig.	F	واریانس		گویه‌ها
		درون گروه‌ها	بین گروه‌ها	
۰/۰۴۲*	۳/۲۰۶	۱/۰۳۵	۳/۳۱۷	توفیق‌طلبی یا نیاز به موفقیت
۰/۳۱۴	۱/۱۶۳	۱/۱۰۴	۱/۲۸۴	اعتماد به نفس
۰/۳۰۴	۱/۱۹۶	۰/۹۳۲	۱/۱۱۵	خلاقیت و نوآوری
۰/۲۴۸	۱/۴۰۱	۱/۲۵۲	۱/۷۵۵	ریسک‌پذیری (خطرپذیری)
۰/۰۴۴*	۳/۱۵۷	۱/۱۹۸	۳/۷۸۳	استقلال‌طلبی
۰/۰۴۱*	۳/۲۷۱	۱/۱۲۷	۳/۶۸۶	تحمل ابهام و مواجهه با وقایع پیش‌بینی نشده
۰/۰۴۹*	۱/۰۴۵	۱/۰۰۰	۳/۰۴۶	خود اتکایی یا کنترل درونی
۰/۲۴۴	۱/۴۱۷	۱/۱۶۱	۱/۶۴۵	توانایی پذیرش شکست

\*\*  $P \leq 0.01$

\*  $P \leq 0.05$



نتایج به دست آمده از مقایسه ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان، نشان می‌دهد که بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف کشاورزی در مورد ویژگی‌های «توفیق‌طلبی»، «استقلال‌طلبی»، «تحمل ابهام و خوداتکایی» در سطح ۵ درصد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. ضمن این‌که بین دانشجویان مورد مطالعه در خصوص سایر ویژگی‌های کارآفرینی اختلاف معنی‌داری وجود ندارد.

همچنین با توجه به هدف چهارم تحقیق، نتایج مندرج در جدول شماره ۹ حاکی از آن است که بین دیدگاه دانشجویان دانشکده‌های مختلف کشاورزی در مورد تأثیر برخی از روش‌های آموزشی در کارآفرینی دانشجویان اختلاف نظر وجود دارد. بدین ترتیب که بین نگرش دانشجویان مورد مطالعه پیرامون تأثیر «بازدیدهای علمی به‌منظور آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی»، «انجام پروژه‌های عملی پیرامون ایجاد کسب و کارهای جدید در حین تحصیل» و «به‌کارگیری روش‌های ایجاد و پرورش تفکر خلاق در دانشجویان» در سطح ۵ درصد و «طی دوره کارآموزی به‌صورت کاربردی و مرتبط با رشته تحصیلی» در سطح ۱ درصد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. ضمن اینکه دیدگاه آنها در خصوص سایر روش‌های آموزشی دارای اختلاف معنی‌داری نمی‌باشد.

جدول ۹- مقایسه دیدگاه دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی مختلف پیرامون روش‌های آموزشی گوناگون از نظر تأثیرگذاری در کارآفرینی دانشجویان

Sig.	F	واریانس		گویه‌ها
		درون‌گروه‌ها	بین‌گروه‌ها	
۰/۰۱۳*	۴/۴۳۹	۱/۰۹۴	۴/۸۵۶	بازدیدهای علمی به‌منظور آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی
۰/۰۷۸	۲/۵۷۶	۱/۳۲۴	۳/۴۱۰	استفاده از روش‌های نوین تدریس با استفاده از تکنولوژی آموزشی
۰/۰۰۶**	۵/۲۵۵	۱/۰۹۰	۵/۷۲۵	طی دوره کارآموزی به‌صورت کاربردی و مرتبط با رشته تحصیلی
۰/۰۴۹*	۳/۰۴۸	۱/۵۳۱	۴/۶۶۷	انجام پروژه‌های عملی پیرامون ایجاد کسب و کارهای جدید در حین تحصیل
۰/۱۸۷	۱/۶۸۹	۱/۰۰۹	۱/۷۰۴	تشویق دانشجویان به مشارکت در مباحث درسی و استفاده از نظرات آنها
۰/۱۷۶	۱/۷۵۱	۱/۰۹۱	۱/۹۱۰	دعوت از افراد خبیره و کارآفرینان موفق به‌منظور درک بهتر موقعیت شغلی
۰/۱۸۶	۱/۶۹۴	۱/۰۸۸	۱/۸۴۳	برگزاری سمینارهای کارآفرینی برای انگیزش دانشجویان به اشتغال‌زایی
۰/۰۹۵	۲/۳۸۲	۱/۰۲۰	۲/۴۲۹	نمایش فیلم و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در آزمایشگاه و مزرعه
۰/۰۳۷*	۳/۳۴۹	۱/۰۱۴	۳/۳۹۶	به‌کارگیری روش‌های ایجاد و پرورش تفکر خلاق در دانشجویان
۰/۲۲۴	۱/۵۰۵	۱/۱۲۰	۱/۶۸۵	ارایه آموزش‌های لازم در زمینه خلاقیت، نوآوری و ایده‌یابی

\*\*  $P \leq 0.01$  \*  $P \leq 0.05$

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نقش ویژه کارآفرینان دانش‌آموخته در توسعه اقتصادی، سیاست‌های راهبردی بسیاری از کشورهای در حال توسعه و از آن جمله ایران به توسعه کارآفرینی در نظام‌های آموزشی معطوف شده است. همچنین نرخ رشد بالای بی‌کاری در میان افراد تحصیل‌کرده از یک سو و بالا رفتن سطح توقعات و نیازهای افراد جامعه از سوی دیگر، موجب شده تا دولت‌مردان و برنامه‌ریزان نگاه ویژه‌ای به مقوله کارآفرینی دانشگاهی داشته باشند. مراکز دانشگاهی و متولیان امر آموزش در کشور نیز به دلیل تأثیر انکارناپذیر آموزش

در کارآفرینی و ایجاد اشتغال مولد، برای نیل به توسعه پایدار نقشی حیاتی در این بین ایفا خواهند نمود. به طوری که امروزه دوره‌های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز نموده، بلکه به صورت رشته‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی ویژه نیز پدیدار است.

در تحقیق حاضر که به بررسی و مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد کشاورزی پیرامون توسعه کارآفرینی در آموزش عالی پرداخته است، اختلاف نظرانی در خصوص وجود کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی مشاهده گردید. به طوری که نتایج مقایسه دیدگاه دانشجویان شاغل با دانشجویان بی‌کار در این خصوص، حاکی از اختلاف معنی‌دار بین نگرش این دو گروه در سطح ۵ درصد می‌باشد. لذا وضعیت اشتغال دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه را در مورد کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی تحت تأثیر قرار داده است. این نتایج در مطالعات خسروی‌پور (۱۳۸۷)، و عزیزی و حسینی (۱۳۸۴) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین مقایسه میانگین رتبه‌ای دیدگاه دانشجویان با رشته‌های تحصیلی مختلف در دوران دبیرستان نشان می‌دهد که بین نگرش دانشجویان در سطح ۵ درصد اختلاف معنی‌داری مشاهده می‌گردد. به عبارت دیگر، دیدگاه دانشجویان نسبت به کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی تحت تأثیر رشته تحصیلی دوران دبیرستان قرار گرفته است و دانشجویان با رشته‌های تحصیلی مختلف در دوران دبیرستان از نگرش یکسانی برخوردار نیستند.

در بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه مشخص گردید که بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف کشاورزی در مورد ویژگی‌های «توفیق‌طلبی»، «استقلال‌طلبی»، «تحمل ابهام و خود اتکایی» اختلاف معنی‌داری وجود دارد. لیکن دانشجویان مورد مطالعه در خصوص سایر ویژگی‌های کارآفرینی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارد. این یافته‌ها با برخی از نتایج تحقیق عزیزی و حسینی (۱۳۸۴) مطابقت دارد. همچنین نتایج حاصله حاکی از آن است که دانشجویان دانشکده‌های مختلف کشاورزی در مورد تأثیر برخی از روش‌های آموزشی در کارآفرینی اختلاف نظر دارند. بر اساس تحقیق حاضر این اختلاف نظر در مورد روش‌های «بازدیدهای علمی به منظور آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی»، «انجام پروژه‌های عملی پیرامون ایجاد کسب و کارهای جدید در حین تحصیل»، «به‌کارگیری روش‌های ایجاد و پرورش تفکر خلاق در دانشجویان»، و «گذران دوره کارآموزی به صورت کاربردی و مرتبط با رشته تحصیلی» از نظر آماری معنی‌داری می‌باشند. نتایج مطالعات محمدزاده نصرآبادی (۱۳۸۳) و Chambers (۲۰۰۲) با برخی از این یافته‌ها همخوانی دارد.

## منابع و ماخذ

۱. بهرامی، ف.، و زمانی، غ. (۱۳۸۰). آموزش عالی، تنگناها و راهکارها. ماهنامه جهاد، شماره‌های ۲۴۴ و ۲۴۵، صفحات ۳۲-۲۷.

۲. خسروی‌پور، ب. (۱۳۸۷). *واکاوی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در نظام آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی*. رساله دکتری رشته آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی کرج، دانشگاه تهران.
۳. شریف‌زاده، م. و زمانی، غ. (۱۳۸۵). *روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی، مطالعه موردی دانشگاه شیراز*. *مجله علوم کشاورزی ایران*، جلد ۳۷، شماره ۱، صفحات ۱۱۶-۱۰۷.
۴. عزیزی، ب.، و حسینی، س. م. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۵. محمدزاده‌نصرآبادی، م. (۱۳۸۳). *بررسی تاثیر آموزش‌های عالی علمی- کاربردی بر اشتغال در بخش کشاورزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
6. Aldrich, H. A., & Martinez. M. A. (2001). Many are called, but few are chosen: An evolutionary perspective for the study of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory & Practice*, summer, 41-56.
7. Anderseck, K. (2004). Institutional and academic entrepreneurship: Implications for university governance and management. *Higher Education in Europe*, XXIX, (2), 193-200.
8. Bazargan, A. (2000). Internal evaluation as an approach to revitalize university systems the case study of Iran. *Higher Education Policy*, 13(2), 173-180.
9. Chambers, R. (2002). *Human capital for entrepreneurship in higher education*. London, Edgar.
10. Chandler, G. N., & Lyon, D. W. (2001). Issues of research design and construct measurement in entrepreneurship research: The past decade. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 26(4), 101-113.
11. Cooper, A. C. (2003). *Entrepreneurship: The past, the present, the future*. In Z. Acs & D. B. Audretsch (Eds.), *Handbook of Entrepreneurship research* (pp. 21-34). London: Kluwer, Academic Publishers.
12. Davidsson, P. (2003). *The domain of entrepreneurship research: Some suggestions*. In J. Katz & D. Shepherd (Eds.), *Advances in entrepreneurship, firm emergence & growth* (pp. 315-372). London: JAI.
13. Drucker, P. F. (1998). The discipline of innovation. *Harvard Business Review*, 76(6), 149-157.
14. Etzkowitz, H. (2003). Research groups as quasi-firms: The invention of the entrepreneurial university. *Research Policy*, 32, 109-121.
15. Florence. E. (2006). Recasting job creation strategies in developing regions: A role for entrepreneurial finance. *Journal of entrepreneurship*, 15(2), 115-143.
16. Gartner, W. B. (1990). What are we talking about when we talk about entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 5, 15-28.
17. Godin, S. (2003). *Purple Cow: Transform your business by being remarkable*. New York: Portfolio.
18. Low, M. B. (2001). The adolescence of entrepreneurship research: Specification of purpose. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 26(4), 17-25.
19. Nell, L., Torren, B., & Derojeda, K. (2006). *Boosting the knowledge valorization process: Putting plans in to action*. A practical study concerning the spin-off

- generation process at universities. The Hague, Pricewaterhouse Coopers Advisory, 17. Retrieved from <http://www.pwc.nl/>
20. Onstenk, J. (2003). Entrepreneurship end vocational education. *European Educational Research Journal*, 2(1), 74-89.
21. Zahra, S., & Dess, G. G. (2001). Entrepreneurship as a field of research: Encouraging dialogue and debate. *Academy of Management Review*, 26(1), 8-11.